

بررسی تفسیری حروف مقطعه «ن»، «ق» و «ص» در سوره‌های: قلم، ق و ص

مصطفی زرنگار*

غلامحسین اعرابی**

چکیده

از بررسی تفسیری سه حرف: «ن»، «ق» و «ص» در سه سوره قلم، قاف و صاد نتیجه می‌شود که نقاط محوری مشترک در این سه سوره، افزون بر پرداختن به بیان اصول اساسی دین، عبارت‌اند از: قرآن به‌عنوان محور ذکر الهی، انذار انبیاء عظام، دستور به صبر و استقامت در برابر ناملازمات و اخلاص در عبادت خدا. حرف «ن» در سوره قلم با سوگند به آنچه وسیله ثبت و ضبط است، بیانگر تثبیت جایگاه باعظمت پیامبر اکرم ﷺ و انطباق خلق و خوی ایشان با ذکر الهی است. حرف «ق» در سوره قاف، با سوگند به قرآن مجید، وقوع قیامت و معاد، به‌ویژه معاد جسمانی را حق و ضروری می‌داند و مأموریت رسول اسلام را تذکر دادن به انسان‌های دارای قلب منیب که از مخالفت با خدای رحمان در خوف و خشیت‌اند، معرفی می‌نماید. حرف «ص» در سوره صاد، با سوگند به قرآن پرپند و با شرافت، توحید را مدار دعوت و انذار انبیاء و به‌خصوص محور انذار رسول اکرم و قرآن کریم دانسته، ضمن بیان عبودیت خالصانه الهی انبیاء و صبر و استقامت آنان در حق همگان را به پندپذیری از قرآن فرا می‌خواند.

واژگان کلیدی

حروف مقطعه، سور قلم، سوره ق، سوره ص.

mostafaz114@gmail.com

golamhosein.arabi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۲۵

*. دانشجوی دکتری دانشگاه قم (نویسنده مسئول).

** . دانشیار دانشگاه قم.

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۳

طرح مسئله

یکی از احتمالات قابل توجه در تفسیر حروف مقطعه آن است که این حروف، نام همان سوره‌ای هستند که در ابتدای آن سوره، تصدیق یافته‌اند (طوسی، بی تا: ۱/ ۴۹؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲/ ۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۲۲) و به منزله خلاصه و پیام اجمالی محتوای آن سوره‌اند (قرطبی، ۱۴۱۳: ۱/ ۱۵۲؛ بلاشر، ۱۳۷۴: ۱/ ۱۷۱)، در این صورت راه شناخت این حروف، بررسی تفسیری و تدبری سوره‌هایی است که مصدر به این حروف هستند. تحقیق حاضر نخستین گام در شناخت تفسیری سوری است که دارای حروف مقطعه تک حرفی بوده و در ترتیب نزول، مقدم بر سایر سور مصدر به این حروف هستند.

روش مطالعه تفسیری در سور قلم، قاف و صاد، شناخت تفسیری هر یک از این سه سوره و کشف ارتباط و تناسب این سور با سور قبل و بعد خود در ترتیب مصحف و ترتیب نزول است. پیش از شروع بحث، آراء مفسران در تفسیر این سه حرف بیان می‌شود:

نظریات مفسران درباره حروف مقطعه (ن، ق، ص)

یک. «ن»

- اسم سوره (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵/ ۲۳۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۸/ ۲۰۴) که خداوند به آن حرف قسم یاد کرده است، همان طور که به قلم قسم خورده تا نشان دهد دیگران از آوردن مانند این کلام عاجزند یا برای آن است که فواید کتابت را در فراگیری علم نشان دهد. (ابن عاشور، بی تا، ۱/ ۲۱۳؛ رازی، ۱۴۲۰: ۳/ ۵۹۸)

- رودی در بهشت که مداد شد تا قلم به وسیله آن در لوح محفوظ، (نام و سرنوشت) کائنات را بنویسد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲/ ۱۳۳۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۵/ ۴۵۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۸/ ۲۰۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۳/ ۳۷۱؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۰/ ۲۹)

- نامی برای رسول الله (همان)

- از رموز قرآنی که بشر نمی‌تواند به معنای آن دست یابد. (طیب، ۱۳۷۸: ۱۳/ ۱۲۰؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۷/ ۶؛ خمینی، ۱۴۱۸: ۲/ ۲۹۵)

- مخفف کلمه «الرحمن». (سمرقندی، بی تا: ۱/ ۲۱؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۰/ ۹۹)

- لوحی از نور. (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۱۰/ ۲۳۴؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۰/ ۲۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/ ۵۸۴)

- یکی از نام‌های خدا (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱/ ۲۲) یا کلیدی از اسم خدا که عبارت از نور و ناصر است.

(کاشانی، ۱۳۳۶: ۶/ ۲۰۲)

- به معنای نبی اسلام، گویی نبوت، خاص حضرت او است. (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ب/ ۵۷)

- به معنای ماهی یا صاحب مرگب و یا با توجه به قافیه نون در آیات این سوره، معنای آن با دوات یا قلم ارتباط مناسبی داشته باشد. همچنین این سوره می‌تواند به صورت نمادین، نمایشگر حضرت یونس باشد، چون آیات ۴۸ تا ۵۰ نیز در این باره است و در سوره انبیاء، آیه ۸۷ از ایشان با عنوان «ذالنون» یاد شده است. (رشاد خلیفه، ۱۳۶۵: ۴۵)

دو. «ق»

- اسمی از اسماء الهی یا اسم کوهی که محیط بر دنیا است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۱۹۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴ / ۸۰۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷ / ۳۶۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۶ / ۹۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶ / ۱۰۲) که این نام ممکن است قوی، قریب، قاهر، قیوم، قدیر و قدوس باشد. (ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۵ / ۴۴۳؛ سمرقندی، بی تا: ۳ / ۳۳۱؛ آل‌غازی، ۱۳۸۲: ۱ / ۲۵۸)

- قسم به قرآن. (طیب، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۲۳۶)

- قسم به نام محمد (داورپناه، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۴۸) که این نام ممکن است قریب یا مقرب درگاه حق تعالی باشد. (ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۵ / ۴۴۳)

- حرف اختصاری و اشاره به جملاتی مثل «قضى الامر» یا «قائم بالقسط». (سمرقندی، بی تا: ۳ / ۳۳۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷ / ۳۶۸؛ قرطبی، ۱۴۱۳: ۲ / ۱۸؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۹ / ۲۱۲؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۸ / ۱۲۰)
- نام و حرف اول قرآن و قیامت. (صادقی‌تهرانی، ۱۴۱۹: الف: ۵۱۸)

- با توجه به ابتدا و انتهای سوره که نام قرآن آمده و انذار به روز قیامت، لذا «ق» اشاره به این دو حقیقت مهم می‌تواند باشد. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۸ / ۱۲۲)

- با عنایت به گرایش سوره به آخرت و قیامت، مفهوم «قضى الامر» که از سوی برخی مفسران گفته شده، می‌تواند منظور نظر از این حرف باشد. (رشاد خلیفه، ۱۳۶۵: ۴۵)

سه. «ص»

- اسم سوره. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵ / ۲۳؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۸ / ۷۲۶)

- نام چشمه‌ای در زیر عرش الهی که شب معراج، پیامبر اکرم ﷺ از آن وضو گرفتند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۰۶۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳ / ۲۶) و به آب حیات شهرت دارد. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۳ / ۴۹۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۷ / ۳۳۲؛ خمینی، ۱۴۱۸: ۲ / ۲۸۲)

- کلید اسمی از نام‌های خدا که بر صادق، صبور، صادق الوعد یا صمد اشاره دارد. (ابن عجبیه،

۱۴۱۹: ۵ / ۵؛ سمرقندی، بی تا: ۳ / ۱۵۷؛ قرطبی، ۱۴۱۳: ۱۶ / ۱۴۳؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۳۶۵)

- نام دریایی در آسمان (ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۵ / ۵) یا دریایی در مگه که عرش خدا بر آن استوار است. (قرطبی، ۱۴۱۳: ۱۶ / ۱۴۳)

- با استناد به روایتی از ابن مسعود معنای «ص» عبارت است از: «صادقوا القرآن حتی تعرفوا الحق من الباطل». (ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۵ / ۵)

- دلالت بر صداقت نبی اکرم دارد همان طور که در سوره «یس» اشاره به حکمت او در رسالتش دارد. (صادقی تهرانی، الف: ۴۵۳؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۴۸۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۳۶۵)

- به معنای «صدق الله». (قرطبی، ۱۴۱۳: ۱۶ / ۱۴۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۴۸۱)

- «ص» ممکن است به مدار سخن در این سوره، (مثل دو سوره مریم و اعراف که در این حرف مشترک اند) یعنی قصص انبیاء، برگردد. (رشاد خلیفه، ۱۳۶۵: ۳۹ و ۴۴)

شناخت تفسیری این سه سوره

یک. سوره قلم

این سوره دومین سوره نازل شده در ترتیب نزول (معرفت، ۱۴۳۲: ۱ / ۱۶۸؛ آل غازی، ۱۳۸۲: ۱ / ۷۵؛ ابن عاشور، بی تا: ۲۹ / ۵۵) و نخستین سوره‌ای است که با حروف مقطعه آغاز می‌گردد و به حرف «ن»، مُصدّر است. در بخش نخست سوره، پس از حرف مقطّع نون، حرف قسم «واو» بر کلمه «القلم» وارد شده و به آن قسم یاد شده، سپس عبارت «ما یسطرون»، با حرف «واو» به «القلم» عطف گردیده است. (نحاس، ۱۴۲۱: ۵ / ۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۵۸۴؛ دعاس، ۱۴۲۵: ۳ / ۳۶۷؛ درویش، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۱۶۴)؛ جواب قسم، آیه دوم این سوره است، یعنی: ما انت بنعمة ربک بمجنون (درویش، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۱۶۵؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۲۳۵)، این آیه تکمله‌ای دارد، یعنی: «وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ * وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم / ۳ و ۴) که از صفات خاص رسول اکرم ﷺ به شمار می‌آید.

در بخش دوم، برخی از صفات ناپسند دشمنان آن حضرت یاد می‌شود، مانند متجاوز، گنهکار، مانع خیر و مهم‌تر از همه اینکه چنین افرادی دل بستگی کامل به مال و فرزند دارند: «أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ» (قلم / ۱۴) این افراد کسانی هستند که وقتی آیات الهی بر ایشان تلاوت می‌شود، می‌گویند: افسانه‌هایی از گذشتگان است: «إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ». (قلم / ۱۵)

در بخش سوم این سوره از صاحبان باغ (قلم / ۱۷) یاد می‌شود که قدر نعمت الهی که بر آنها ارزانی داده شد را ندانسته، محرومان و مسکینان را از نعم الهی محروم نمودند و سرانجام گرفتار عذاب الهی شده همه اموال خود را یک شبه از دست دادند (قلم / ۳۳ - ۱۷) و آنچه برای آنها ماند، جز حسرت و

ندامت نبود، ذکر این داستان برای آن است که مشرکان و معاندان دعوت الهیه بدانند اگر قدر نبوت رسول الله را نشناسند، همان عاقبت، نصیبشان می‌شود.

در بخش چهارم از اهل تقوا یاد شده، حکم و داوری کردن را بر اساس کتاب تشریح و منبع آسمانی می‌داند، آنگاه از کسانی یاد می‌کند که در این دنیا در سلامت جسم و عقل به سر می‌بردند ولی خدا را اطاعت نمی‌کردند.

در بخش پنجم از سنت استدراج و املاء برای تکذیب‌کنندگان قرآن کریم یاد می‌نماید و به پیامبر اسلام ﷺ دستور صبر و تحمل در برابر آزار و اذیت‌های آنها را می‌دهد در همین بخش به طور ضمنی از حضرت یونس و عدم تحمل وی در برابر آزار و اذیت مخالفان از قومش یاد می‌شود. نکته قابل توجه در این قسمت، ارتباط «صَاحِبِ الْهُوتِ» (قلم / ۴۸) و لقب دیگر حضرت یونس، یعنی «ذَا التُّونِ» (انبیاء / ۸۷) با سوره قلم است که با «ن» آغاز می‌گردد.

در بخش آخر از کافرانی سخن می‌گوید که هنگام دعوت آنها به قرآن و توحید توسط پیامبر، از روی خشم به وی نگریسته چنان که گویی او را در معرض از بین رفتن قرار داده (با توجه به معنای ازلاق در تفسیر، از جمله: طوسی، ۱۴۰۶: ۱۰ / ۹۱؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۰ / ۵۱۲؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۹ / ۱۲۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۳۸۹) و به او نسبت جنون می‌دهند، درحالی‌که او (یا قرآن او) ذکر می‌است برای عالمیان. جالب است که در ابتدای این سوره با ذکر قسم‌هایی با شرافت، صفت جنون را از پیامبر اسلام نفی و در آخر سوره این نسبت ناروا را از قول کافران به او مطرح می‌فرماید.

غرض سوره قلم

تسلیت و تعزیت رسول اکرم نسبت به آنچه مشرکان به او روا داشتند، اعم از جنون، هتک حرمت و سایر اتهامات مخالفان (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۳۶۷؛ صادقی‌تهرانی، ۱۴۱۹ ب: ۲۹ / ۵۶)، تحدی معاندان در خصوص آوردن کلامی مانند قرآن، به عجز در آوردن مخالفان از آوردن کلامی مثل قرآن، اثبات کمالات رسول اکرم در برابر اتهامات وارده به ایشان، ایجاد زمینه اقبال مردم به علم از طریق یاد کردن حروف هجاء و مسئله کتابت، مذمت مشرکان و تهدید آنان به عذاب دنیوی - اخروی (ابن عاشور، بی تا: ۲۹ / ۵۵) و مطرح کردن اصول اعتقادی: توحید، نبوت و معاد جهت معالجه و درمان مشکلات عقیدتی (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ۵ / ۴۷۸) از جمله مواردی است که در غرض این سوره یاد شده است.

دو. سوره قاف

این سوره دومین سوره از سوره‌های مصدّر به حروف مقطعه در ترتیب نزول به‌شمار می‌آید (معرفت، ۱۴۳۲:

۱/ ۱۶۸) با حرف مقطّع «ق» آغاز و به «قرآن مجید» سوگند یاد می‌کند.

جواب قسم محذوف است و ممکن است این جمله باشد که محمد ﷺ، رسول الله است.

به دلالت آیه دوم: «بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ» (ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۵ / ۴۴۳؛ ابن عاشور، بی تا: ۲۶ / ۲۳۱) یا اینکه پیامبر به عنوان منذر و هشداردهنده به مبعوث شدن انسان‌ها در قیامت آمده ولی قبول نکردند بلکه تعجب کردند (درویش، ۱۴۱۵: ۹ / ۲۸۲؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۹ / ۵۲۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۶ / ۹۴؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۹ / ۲۱۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸ / ۳۳۸) و یا درصدد بیان عجز مخالفان قرآن از معارضه با قرآن باشد؛ یعنی تقدیر کلام چنین بوده: «ق و القرآن المجید اَنَّهُ لتَنْزِيل من رَبِّ الْعَالَمِین»، مانند ابتدای سوره زخرف. (ابن عاشور، بی تا: ۲۶ / ۲۳۱) در بخش دوم بیان می‌نماید که کافران از اینکه بشری مانند خود، آنان را به مسئله معاد هشدار می‌دهد، در شگفتی بوده و آن را امری بعید می‌دانستند، درحالی که هیچ چیز از خداوند صاحب «کتاب حفیظ» مخفی نمانده و موقع حشر و نشر، انسان‌ها را مانند خلقت نخستینشان زنده می‌کند آن طور که زمین مرده را احیاء می‌فرماید.

در بخش سوم، تکذیب اقوام قبلی کافران یعنی قوم‌های نوح، اصحاب رث، ثمود، عاد، فرعون، اخوان لوط، اصحاب ایکه و قوم تبع را یاد کرده و مستحق وعید خود دانسته است و در این یادکرد، هشدار و اندازی برای کفار و مشرکان ایجاد می‌نماید.

در بخش چهارم، خلقت خاص نفس انسان و القائنات نفسانی آدمی و اینکه خدا از رگ حیات به او نزدیک‌تر است مطرح شده و برای انسان محافظانی از فرشتگان قرار داده تا مراقب اقوال و اعمال او باشند.

در بخش پنجم، بیان می‌گردد که آدمی از مرگ می‌گریزد ولی مرگ او را فرا می‌گیرد و پس از مرگ انسان‌ها دو گروه می‌شوند: اهل طغیان و گمراهی که به جهنم انداخته و به عذاب شدید گرفتار می‌شوند و اهل تقوا و خشیت خدای رحمان که دارای «قلب منیب» اند، این افراد، بهشت نزد ایشان آورده می‌شود و در آن سرای سراسر سلامتی هر آنچه بخواهند - و بیشتر از آن - آماده و مهیا است.

در بخش ششم، ضمن یادآوری این مطلب که: راه فراری از سنت‌های الهی در این دنیا نیست، کافران را مجدداً هشدار می‌دهد که هر اندازه نیرومند باشند، هلاک خواهند شد آنگاه می‌فرماید این آیات و ذکر آنها مایه تذکر است برای کسانی که قلبی دارند یا گوش آنان بدهکار حق باشد.

در بخش هفتم، با یادآوری خلقت آسمان‌ها و زمین در شش روز توسط خدا و اینکه هیچ سستی و خستگی عارض او نمی‌شود، به پیامبر خود، صبر پیشگی در برابر اقوال ناشایست مخالفان و تسبیح و عبادت خدا را توصیه می‌فرماید.

در بخش هشتم، بازگشت به مسئله معاد و آسان شمردن برانگیختن آدمیان توسط خداوند مطرح می‌شود.

در بخش آخر، به عنوان تسلی خاطر پیامبر و تهدید مخالفان (فیض‌کاشانی، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۲۰۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۳۹۳) می‌فرماید: ما دانائیم نسبت به آنچه آنها در تکذیب تو یا تکذیب معاد یا قرآن (طوسی، بی تا: ۹ / ۳۷۶؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۵۲۵) می‌گویند، بنابراین وظیفه تو «تذکر» دادن به وسیله قرآن است، البته کسی این تذکر را می‌پذیرد که اهل خوف از وعید الهی باشد.

غرض سوره قاف

- ذکر دعوت قرآن به اعتقاد راسخ داشتن به مسئله معاد، به خصوص معاد جسمانی.
- انذار دادن مشرکان از اینکه نسبت به معاد جسمانی، منکر بوده و دچار شگفتی شده‌اند.
- اشاره به علم و قدرت خدا در تدبیر عالم طبیعت (خلقت آسمان‌ها، ستارگان، زمین، کوه‌ها، پرورش گیاهان از راه نزول باران) و تهیه روزی بندگان.
- اشاره به زنده نمودن زمین به وسیله فرستادن آب از آسمان و تنبّه دادن به مسئله معاد از این طریق.
- بیان حالات مختلف آدمی از هنگام خلقت تا زمان مرگ و پس از آن در محکمه قیامت و دو دسته بودن آدمیان در آن روز: مکذبان و متّقین. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۳۳۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۱۷ / ۷)
- توجّه دادن به شأن قرآن و (معجزه بودن آن) از طریق ذکر حرف مقطّع «ق».

سه. سوره صاد

این سوره سومین سوره از سوره‌های مصدّر به حروف مقطعه در ترتیب نزول به شمار آمده است (معرفت، ۱۴۳۲: ۱ / ۱۶۸) و با حرف مقطّع «ص» آغاز شده و به «قرآن صاحب ذکر» سوگند یاد می‌کند ولی جواب قسم ذکر نشده که می‌توان جملاتی مانند: «لیس فی القرآن نقص و لا قصور» (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۴۵۸)، «أنّه لمعجز أول قد جاءكم الحق» (درویش، ۱۴۱۵: ۸ / ۳۲۷)، «إنّه لمن عند الله» (ابن‌عاشور، بی تا: ۲۳ / ۱۰۸)، را به عنوان جواب آن قسم در نظر گرفت وجه جامع برای جواب‌های مطروحه، جامعیت و کمال الهی و حقانیت آن است.

در قسمت دوم، موضع کافران را در برابر این قرآن با شرافت و پرپند ذکر می‌فرماید که عبارت از غرور و مخالفت و دشمنی با حقایق آن است. یکی از این حقایق، انذار و هشدار آنان توسط بشری از جنس خودشان است حقیقت دیگر مسئله توحید آلهه است که این مطلب را دروغ بافی آن حضرت به شمار آوردند.

در قسمت سوم دلیل دشمنی کفار و نپذیرفتن حقیقت را تردید نسبت به آیات الهی و قدرت خداوند معرفی می‌نماید.

در قسمت چهارم نمونه‌ای از تکذیب و انکار حقیقت توسط اقوام گذشته مانند قوم نوح، عاد، فرعون، ثمود، لوط و اصحاب ایکه (و تحقق عذاب و عقاب الهی در حق ایشان) را یاد می‌کند تا سنت گذشتگان را در برخورد با انبیاء خود بازگو نماید.

قسمت پنجم شامل دستور به صبر پیشگی پیامبر اسلام (در برابر آزار، اذیت، مخالفت و تکذیب کفار) و ذکر نمونه‌هایی از انبیاء الهی: حضرت داود با عنوان «اؤاب» و برخوردار از حکمت و داوری بین مردم، حضرت سلیمان با عنوان «اؤاب» و برخوردار از عطاء الهی در تسخیر باد و اجته برای او، حضرت ایوب، با عنوان «صابر» و «اؤاب» و حضرت ابراهیم، اسحاق و یعقوب با عنوان صاحبان قدرت و بصیرت و بندگان خالص و برگزیده الهی، نیز حضرت اسماعیل، یسع و ذوالکفل با عنوان نیکان است.

قسمت ششم، قرآن کریم را کتابی نازل شده از سوی خداوند و «مبارک» دانسته که در قالب جملات و آیاتی قابل تدبّر برای صاحبان خرد و اندیشه درآمده و مایه «ذکر» برای جهانیان است.

قسمت هفتم با تقسیم‌بندی انسان‌ها به «متّقین» و «طاغین» و بیان عاقبت و پاداش و کیفر هر کدام، اهل تقوا را از حسن فرجام و اهل طغوی را از شرّ فرجام برخوردار معرفی می‌نماید.

قسمت هشتم روی سخن را به نبی اکرم برگردانده و او را فقط انذارکننده و دعوت‌کننده به سوی توحید خدای واحد قهار می‌داند.

در دو بخش پایانی این سوره با ذکر از خلقت آدم از گل و داستان سجود ملائکه و عدم سجده شیطان از روی استکبار و عناد و اینکه قرآن فقط ذکر برای عالمیان است اول و آخر سوره را با ذکر بودن قرآن، پیوندی مستحکم می‌بخشد.

غرض سوره صاد

منذر بودن پیامبر اسلام به وسیله ذکر نازل شده بر وی (قرآن کریم)، دعوت به سوی توحید و اخلاص عبودیت الهی، ذکر داستان انبیاء (و بندگان) گذشته، ذکر احوال اهل تقوا و طغیان و عاقبت هر یک و سرانجام تبعیت از شیطان (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۱۸۱)، تسلیت دادن به نبی اکرم در برابر تکذیب کفار و توصیه به اقتداء آن حضرت به صبر انبیاء گذشته، اثبات مبعوث شدن آدمیان برای حساب و کتاب اعمال آنان، ذکر اولین عامل گمراهی یعنی شیطان (ابن عاشور، بی‌تا: ۲۳ / ۱۰۷) از جمله اغراض این سوره است.

ارتباط و تناسب سوره‌ها با سوره همجوار

یک. ارتباط و تناسب سوره «قلم» با سوره‌های همجوار

۱. در ترتیب مصحف شریف

الف) مناسبت این سوره با سوره قبلی خود (ملک)

این مناسبت عبارت است از: ذکر احوال سعادت و اشقیاء، ذکر قدرت و علم وسیع الهی در سوره ملک و اینکه این اخبار از طریق وحی به پیامبر اکرم می‌رسد، ولی کنار نسبت شعر، سحر و جنون به آن حضرت می‌دهند، از این رو در سوره بعدی (قلم) آن حضرت را از این اوصاف، بری دانسته و اجر ایشان را به دلیل صبر بر اذیت آنان تعظیم نموده و آن حضرت را بر خلقی عظیم استوار دانسته است. (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۲۳۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵ / ۲۶) از طرف دیگر سوره ملک با ذکر تکذیب کفار و وعده آنان به عذاب تمام می‌شود و سوره قلم با همین موارد افتتاح می‌گردد. (طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۰ / ۶۵). یکی از محورهای سوره ملک که در سراسر این سوره موج می‌زند، قدرت لایزال و مطلقه الهی در دنیا و آخرت و علم کامل و وسیع خدای متعال نسبت به احوال انسان و قیامت است، عباراتی مانند: «وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (ملک / ۱)، «فَمَنْ يُجِرِ الْكَافِرِينَ... فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ» (ملک / ۳۰-۲۸) «إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ * أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (ملک / ۱۴-۱۳)، «قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ» (ملک / ۲۶) در سوره قلم مسئله علمیت خدا («إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ...») (قلم / ۷) مطرح می‌شود و اینکه قدرت او آن قدر وسیع است که در لحظه‌ای باغ پر از میوه و سرسبز را تبدیل به زمین سوخته می‌فرماید (قلم / ۲۰-۱۹) از آن طرف، هر گونه علم و قدرت آدمی را نسبت به قیامت و غیب، نفی می‌فرماید. (قلم / ۴۱-۳۷ و ۴۷)

ب) مناسبت این سوره با سوره بعدی (حاقة)

یکی ذکر قیامت و برخی احوال آن روز و تهدید کفار و وعده آنان به عذاب در آخر سوره قلم و افتتاح سوره حاقة با ذکر روز قیامت و احوال اهل آتش است. (طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۰ / ۸۰) و دیگری تکذیب قیامت از سوی برخی اقوام یاد شده در آن سوره است و اینکه نظام جزا و پاداش در آن روز بر پا خواهد بود. «فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ... إِلَّا الْخَاطِئُونَ» (حاقة / ۳۷-۱۹) و «أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ... وَهُمْ سَالِمُونَ» (قلم / ۴۳-۳۵) همچنین در هر دو سوره، عدم ایمان به خدا و عدم انفاق به مساکین (حاقة / ۳۴-۳۳؛ قلم / ۱۸، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۲۹) دو عامل اصلی محرومیت از بهشتی شدن مطرح می‌شود.

تعظیم قرآن و رسول قرآن و دفاع از کیان این کلام وحیانی و شأن رسول گرامی اسلام در دریافت و تبلیغ این کلام والا (حاقة / ۴۷-۴۰؛ قلم / ۴-۲ و ۵۲-۵۱) و اینکه کلام خدا، ذکر و تذکر برای اهل تقواست (حاقة / ۴۸؛ قلم / ۵۲-۵۱) از محورهای مشترک این دو سوره است.

۲. در ترتیب نزول

در ترتیب نزول، سوره قلمی قلم، علق و سوره بعدی آن، مَزْمَل است. (معرفت، ۱۴۳۲: ۱ / ۱۶۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵ / ۳۲۲)

الف) مناسبت سوره قلم با سوره علق

- خطاب در سوره علق به رسول اکرم است (آیات اول، سوم و نوزدهم)، در سوره قلم نیز چنین است. (۱۳ - ۲ و ۴۸)

- سوره علق با دستور به خواندن آیات قرآن، توسط رسول اکرم ﷺ پس از شنیدن آن آیات که به نوعی اعلام نزول آیات قرآنی بر قلب مبارک آن حضرت است (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ الف: ۵۹۷)، و تلقی قرآن از طریق وحی (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰ / ۳۲۳) آغاز شده، این دستور از جانب خدا تعلیم دهنده به وسیله قلم صادر می شود «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (علق / ۴) ولی سوره قلم با حرف نون و سوگند به قلم و کتابت آنچه در راه هدایت و تکامل فکری، اخلاقی و علمی بشر مؤثر واقع می شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۱۸ / ۵۱۸) یا آنچه توسط فرشتگان محافظ اعمال آدمی نوشته می شود (سمرقندی، بی تا: ۳ / ۴۸۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۵۸۴؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۰ / ۵۰۰) یا به طور کلی سطور که با قلم نوشته می شود (قرآن یا غیر آن) (ابن عاشور، بی تا: ۲۹ / ۵۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۵۸۴) یا مطلق کتابت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۳۶۸؛ رازی، ۱۴۲۰: ۳۰ / ۵۹۹) شروع شده است.

از مقایسه این دو طلیعه می توان نتیجه گرفت که اولاً آیات قرآنی که به صورت الفاظ نورانی بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده اند در «کتاب مسطور» (طور / ۲) در «لوح محفوظ» (بروج / ۲۲) با قلم تکوینی تقدیر الهی (طبری، ۱۴۱۲: ۲۹ / ۱۰؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۲ / ۵۱۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۳۳۴) و ترسیم کننده رسالات وحی (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ الف: ۵۶۴) ثبت و ضبط شده اند، آن چنان که همه اشیاء در خزائن الهی ثبت و ضبط اند: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (حجر / ۲۱) و ثانیاً آیات الهی که خدا آنها را به پیامبر دارای خلق عظیم، تعلیم فرمود برای هدایت و فراگیری آنچه برای رسیدن به این هدایت لازم است، نازل شده است.

- در سوره علق از طغیان انسانی که خود را بی نیاز می پندارد (علق / ۷ - ۶) سخن رفته و در سوره قلم نمونه ای از این انسان طاغی و ویژگی های او یاد می شود (قلم / ۱۵ - ۱۰) که ویژگی اصلی او دل بستگی زیاد به مال دنیا است. (قلم / ۳۲ - ۱۷)

- در سوره علق، راه خروج از طغیان را توجّه به آخرت (علق / ۸) و خدا را ناظر اعمال خود دیدن (علق / ۱۴) می داند و در سوره قلم، تسبیح پروردگار (علق / ۲۹ - ۲۸) و رعایت تقوا (علق / ۳۴).

- در سوره علق دستور به سجده و تقرب جستن به خدا مطرح می‌شود (۱۹)، در سوره قلم نیز دعوت به سجود آمده است (۴۳).

ب) مناسبت سوره قلم با سوره مزمل

- خطاب در سوره مزمل به رسول گرامی اسلام است تا بداند که به عنوان رسول الهی انتخاب شده و آیات نازل از غیب بر او القاء شده است (خطیب، بی‌تا: ۱۵ / ۱۲۴۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰ / ۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۱۹ / ۱۲۴) در سوره قلم نیز مخاطب اصلی سوره، پیامبر اکرم ﷺ با ویژگی «خلق عظیم» است.

- در سوره مزمل، یکی از وظایف اصلی پیامبر اسلام ترتیل قرآن است (مزمل / ۴) در سوره قلم نیز یکی از شئون نبوی ایشان تلاوت آیات الهی، عنوان شده است (قلم / ۱۵).

- در هر دو سوره از آیات قرآن به عنوان «تذکره» (مزمل / ۱۹) و «الذکر» (قلم / ۵۲ - ۵۱) یاد شده است.

- در هر دو سوره از طغیان و سرکشی (قلم / ۳۱) و عصیان و نافرمانی (مزمل / ۱۶) اقوام انبیاء یاد شده است.

- دستور به صبر داشتن پیامبر اسلام در برابر نسبت‌های ناروای مخالفان (شاعر، کاهن، مجنون و ...) در هر دو سوره مشهود است. (مزمل / ۱۰؛ قلم / ۴۸)

- مهلت دادن به تکذیب‌گران آیات الهی در هر دو سوره ذکر شده است. (مزمل / ۱۱ و قلم / ۴۵ - ۴۴) - تهدید و وعده عذاب به معاندان و تکذیب‌گران حق در هر دو سوره یاد شده است. (مزمل / ۱۳ - ۱۲ و قلم / ۳۳)

- مسئله عبادت خدا در دل شب، اقامه نماز، کمک‌های مالی به بندگان خدا (مزمل / ۲۰)، دعوت به سجده کردن در برابر خداوند (قلم / ۴۳)، تسلیم خدا بودن (قلم / ۳۵)، تسبیح الهی گفتن (قلم / ۲۸) عدم دل بستگی به مال دنیا و دعوت به انفاق کردن (قلم / ۳۲ - ۱۷) در این دو سوره مطرح شده است.

دو. ارتباط و تناسب سوره «ق» با سوره‌های همجوار

۱. در ترتیب مصحف شریف

الف) مناسبت سوره ق با سوره قبله خود (حجرات)

در طریقه تعامل انسان مؤمن با شخص شخیص رسول اکرم، اهمیت تقوا به عنوان معیار ارزش و سنجش انسان‌ها با یکدیگر، ذکر خصوصیات مؤمنان حقیقی، علم مطلق الهی به غیب و نهان عالمیان، بیان وظایف اخلاقی مؤمنان نسبت به یکدیگر (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۱۶ / ۵۰۷)، تجنّب

اهل ایمان از اخلاق کافران و فاسقان (ابن عاشور، بی تا: ۲۶ / ۱۷۹)، اینکه حصول ایمان حقیقی با شرایط و متعلقات آن منوط به ایمان به قرآن و ادله توحید است (طبرسی، ۱۴۰۶: ۹ / ۲۱۰) و با ذکر شرایط یک زندگی سعادت‌مند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۳۰۵) بیان شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود نقاط اشتراک و تناسب سوره ق با سوره حجرات به‌طور عمده با محوریت پنج امر زیر است:

یکم. رسول اکرم ﷺ و جایگاه رفیع دینی و اجتماعی آن حضرت در جامعه اسلامی.

دوم. ملاک کرامت و برتری و نجات از عذاب الهی و دخول در رحمت حق، رعایت تقوا توسط اهل ایمان است.

سوم. شک و تردید یکی از عوامل ایمان‌زداست. (حجرات / ۱۵؛ ق / ۲۵)

چهارم. جایگاه ایمان، قلب آدمی (حجرات / ۱۴) و شرط حفظ و تقویت این ایمان و رسیدن به درجه تقوا، «داشتن قلب بازگشت‌کننده» است. (ق / ۳۳)

پنجم. ایمان به قرآن کریم و وعده‌های آن شرط تحقق ایمان حقیقی است. (حجرات / ۱۵؛ ق / ۴۵)

ب) مناسبت سوره ق با سوره بعدی خود (ذاریات)

در محوریت مسائل مربوط به قیامت و معاد و ثواب و عقاب آدمیان در آن روز، مسائل مربوط به توحید و آیات الهی در نظام خلقت، مواجهه امت‌های معاند انبیاء ﷺ و دستور صبر و استقامت به رسول گرامی اسلام ﷺ در برابر شدايد و مشکلات و اتهام‌های وارده به آن حضرت (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۱۷ / ۶۷)، اثبات وقوع حشر و نشر و جزاء و پاداش در قیامت و ابطال عقیده تکذیب‌کنندگان آن روز در این زمینه، استدلال بر وحدانیت خدا و امکان بعث آدمیان در روز قیامت (ابن عاشور، بی تا: ۲۷ / ۵)، احتجاج کردن با مشرکان به وسیله ادله توحیدی و اثبات ضرورت وجود روز جزا از طریق توحید و نبوت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۳۶۴)، بیان شده است.

افزون بر موارد یادشده شروع و پایان هر دو سوره با مسئله معاد و استبعاد آن از سوی کافران است، مسئله تقوا و عاقبت آن (ق / ۳۵ - ۳۱؛ ذاریات / ۱۹ - ۱۵)، نذیر و منذر بودن رسول اکرم (ق / ۲؛ ذاریات / ۵۱ - ۵۰)، مذکر بودن آن حضرت (ق / ۴۵؛ ذاریات / ۵۵)، شرط مفید واقع شدن تذکرها (ق / ۷؛ ذاریات / ۴۹)، دعوت به عبادت پروردگار (ق / ۴۰ - ۳۹؛ ذاریات / ۵۶)، آسمانی بودن رزق موجودات (ق / ۹؛ ذاریات / ۲۲) از جمله موارد مشترک در هر دو سوره‌اند.

۲. در ترتیب نزول

سوره قبل سوره ق، در این ترتیب، مرسلات و سوره بعدی آن، بلد است. موضوع محوری مرسلات،

تأکید بر «واقع شدنی» بودن قیامت و احوال آن روز، تعیین اجل و مدت معین برای زندگانی انسان در دنیا، ذکر دو موضع‌گیری در برابر مسئله قیامت: تکذیب، رعایت تقوای الهی و بیان جزا و کیفر هر دو موضع‌گیری است؛ موضوعات دیگر این سوره عبارت‌اند از:

القاء ذکر توسط ملائکه (ق / ۵)، دعوت به عبادت و نماز (ق / ۴۸) و ایمان به قرآن (ق / ۵۰)، ضمیر هاء در «بعده» به قرآن بازمی‌گردد: (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۵۸۶؛ طوسی، بی‌تا: ۱۰ / ۲۳۶) مقصود از «ذکر» در آیه ۵ سوره مرسلات می‌تواند قرآن باشد، آن‌چنان‌که برخی مفسران بر آن اذعان دارند (طبری، ۱۴۲۱: ۲۹ / ۱۴۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵ / ۱۹۰؛ رازی، ۱۴۲۰: ۳۰ / ۷۶۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰ / ۱۴۶) و در قرآن نیز آیات متعددی در زمینه «ذکر» خواندن قرآن، آمده است.

از آنجا که موضوع محوری سوره ق حول مسئله قیامت و موضع‌گیری انسان‌ها نسبت به آن روز و نیز قرآن و متذکر شدن از طریق آیات آن است، از این حیث با سوره مرسلات وحدت موضوعی و تناسب کامل دارد.

اما سوره بلد، در مسئله یادکرد مقام نبی اکرم ﷺ، ذکر نعمت‌های داده شده به آدمی، وعید کفار و بشارت اهل یقین (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۳۰ / ۳۰۶) و اینکه خلقت آدمی مبنی بر سختی و خستگی و تلخی نهاده شده و راه رسیدن به سعادت، پشت سر گذاردن این مشکلات و سختی‌ها است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰ / ۲۸۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۲۰ / ۲۰۳) و نیز دو دسته بودن آدمیان در برابر دعوت انبیاء، با سوره ق مشترک است.

سه. ارتباط و تناسب سوره «ص» با سوره همجوار

۱. در ترتیب مصحف شریف

سوره قبل از سوره ص صاقت است که در ابتدای این سوره از تلاوت‌کنندگان ذکر الهی «فَاللَّيَالِيَاتِ ذِكْرًا» (ص / ۳)، در پایان سوره نیز از «ذکر»، عنوان عامل رسیدن به درجه خلوص در عبارت یاد می‌شود. (ص / ۱۶۹-۱۶۸)

نقاط اشتراک دیگر مسئله توحید (صاقت / ۴، ۳۷-۳۵؛ ص / ۵ و ۶)، اثبات وحدانیت خدا (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲۳ / ۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۱۲۰)، ناباوری معاد (که در سوره صاقت، به صراحت در ضمن آیات ۲۴-۱۵ اما در سوره ص با صراحت کمتر در ضمن آیات ۲۸-۲۶ مطرح شده است.) و آیه شریفه «إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ» (صاقت / ۴۰، ۷۴، ۱۲۸، ۱۶۰) و یک بار عبارت: «عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ» (صاقت / ۱۶۹) با آیه «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» (ص / ۸۳) است که مسئله اخلاص در عبادت را عامل اصلی نجات از عذاب (ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹: ۴ / ۵۹۷؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۸ / ۶۹۰؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ /

(۳۳۱)، برخورداری از ثواب و اجر مضاعف (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴، ۴۲ / طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۱۳۵)، هدایت یافتن و تصدیق دعوت انبیاء الهی (طبرسی، ۱۴۰۶: ۸ / ۶۹۹؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۳۳۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۱۴۵)، دور ماندن از هر گونه شرک و کفر (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۶ / ۹۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵ / ۲۰؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۴ / ۶۲۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۶۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱ / ۱۶۳ و ۱۲۷) و رهایی از تسلط شیطان (ص / ۸۳) دانسته است.

تنظیر و مقایسه دعوت رسول اکرم ﷺ با دعوت سایر انبیاء، و کیفیت نصرت آنان از سوی خدای متعال ذکر مناقب و فضیلت‌های آنان و استقامت‌شان در راه (تبلیغ و حفظ) دین الهی (ابن عاشور، بی تا: ۲۳ / ۶-۵) از دیگر اشتراکات محوری این دو سوره است. محور دیگر اشتراک، انذار مشرکان و کافران و تبشیر مخلصان و مؤمنان و ذکر عاقبت هر دو گروه (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۱۲۰) است. یادکرد قرآن، رسول خدا و انکار معاد در اختتام سوره صافات و افتتاح سوره ص مشترک‌اند. (طبرسی، ۱۴۰۶: ۸ / ۷۲۳)

سوره بعدی ص، سوره زمر است که با موضوع نزول کتاب از سوی خدای متعال بر اساس حق بر پیامبر اکرم ﷺ آغاز می‌شود (زمر / ۲-۱)، کتابی که مضامین آن با یکدیگر متشابه و معطوف و ناظر به یکدیگر (زمر / ۲۳) بوده، به صورت قرآنی عربی که بدون هیچ انحرافی (زمر / ۲۸) است، درآمده تا موجبات ذکر و تذکر انسان‌ها را فراهم فرماید (زمر / ۲۷ و ۲۳) اخلاص در عبادت خدا (زمر / ۲، ۳، ۱۴، ۱۱)؛ دعوت به رعایت تقوای الهی و بیان نتیجه و عاقبت آن (زمر / ۱۰، ۱۶، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۵۷، ۶۱ و ۷۳)؛ نفی شرک و کفر و اثبات توحید (زمر / ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۱۵، ۲۹، ۳۶، ۳۸، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۶۵)؛ متذکر بودن صاحبان خرد (زمر / ۹، ۱۸، ۲۱)؛ گروه‌بندی انسان‌ها در برابر دعوت انبیاء به آیات الهی و عمل به آنها، به دو گروه: کافر و متقی (زمر / ۷۱ و ۷۳)، دانا و نادان (زمر / ۹)، مسلمان و عاصی (زمر / ۱۳-۱۲)، کافر و شاکر (زمر / ۷)، شرح صدر و قساوت قلب (زمر / ۲۲)، هدایت شده و گمراه شده (زمر / ۲۳، ۳۷-۳۶)؛ دعوت به بازگشت و انابه به سوی خدا (زمر / ۸، ۱۷، ۵۴)، مسئله معاد و نظام جزا و پاداش اعمال (زمر / ۷، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۶، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۶۰، ۶۱، ۶۷، ۷۵-۶۸) از جمله محورهای موضوعی مشترک بین این دو سوره مبارکه است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشترین فراوانی را موضوعات معاد، نفی شرک و کفر و اثبات توحید و دعوت به تقوای الهی و گروه‌بندی انسان‌ها به خود اختصاص داده‌اند، در سوره ص نیز موضوع نفی شرک و کفر و اثبات توحید، توصیه و تشویق به اجابت دعوت انبیاء و گروه‌بندی انسان‌ها در برابر آن و نظام جزا و پاداش در معاد و قیامت مورد تذکر جدی قرار گرفته، به طوری که قرآن با وصف «ذی الذکر»، مشتمل بر این موضوعات معرفی می‌گردد.

۲. در ترتیب نزول

دو سوره قبل و بعد از ص، به ترتیب نزول، عبارت‌اند از: قمر و اعراف. (معرفت، ۱۴۳۲: ۱ / ۱۶۸ و ۱۶۹؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲۷ / ۱۶۱). موضوع و محور اصلی سوره قمر، عبارت است از مسئله قیامت و نزدیک بودن آن، تکذیب کردن آن از سوی مردم (به‌عنوان نمونه: مردم قوم‌های نوح، عاد، ثمود، لوط، آل‌فرعون)، گروه‌بندی انسان‌ها در برابر دعوت انبیاء به اصل معاد به مجرم و متقی و بیان جزا و پاداش هر کدام.

آنچه در این سوره جلب‌نظر می‌نماید، تکرار «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» در آیات: ۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰ در خلال بیان تکذیب اقوام انبیاء گذشته در قبال دعوت و اندازهای آنان نسبت به مسئله معاد و نظام جزا و پاداش است. ترکیب «القرآن للذکر» در این سوره با «القرآن ذی الذکر» (ص / ۱) بسیار نزدیک بوده و هم‌معنای با آن است. در سوره قمر، ذکر بودن قرآن، یادآوری اصل اساسی معاد و برخورد اقوام گذشته در برابر دعوت پیامبران‌شان به ویژه پیامبر اسلام ﷺ است که آنها را ساحر (قمر / ۲)، مجنون (قمر / ۹)، کذاب (قمر / ۲۵) خواندند و در سوره ص ذکر بودن قرآن، یادآوری اصل اساسی توحید و معاد و برخورد اقوام گذشته در برابر دعوت پیامبران‌شان به ویژه پیامبر اسلام ﷺ است که او را ساحر کذاب (ص / ۴) و دروغ‌باف (ص / ۷) خواندند. مسئله انذار، نذیر و منذر نیز از جمله کلمات و مسائل کلیدی در این دو سوره است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۵۵؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲۷ / ۱۶۲) که در برابر این همه هشدار و هشداردهنده، موضعی جز تکذیب و اعراض قوم و گرفتار عذاب الهی شدن، پررنگ و غالب نیست.

موضوع و محور اصلی سوره اعراف، که با حرف مقطعه «المص» و مسئله نزول کتابی با هدف انذار و متذکر شدن مؤمنان آغاز و با موضوع آقراء قرآن و دستور به استماع و تبعیت آن با هدف تعلق رحمت و هدایت الهی به مؤمنان پایان می‌پذیرد، همانند سور مکی دیگر به ویژه سوره‌های دارای حروف مقطعه، توحید و معاد و انذار مردم توسط انبیاء عظام است. یادکرد اقوام انبیایی چون نوح، هود، صالح، لوط، شعیب، موسی عليه السلام به جهت عبرت‌گیری امت اسلام از وقایع اتفاقیه دوران‌های گذشته (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۷ / ۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۴ / ۵۵۵)، احیاء شخصیت آدمی با عنایت به نقل داستان آدم و جایگاه او، یادآوری میثاق الهی که خدا از بنی‌آدم گرفته تا در مسیر هدایت و صلاح قرار گیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۴ / ۵۵۵)، یادآوری عهد الهی با آدمی مبنی بر عبادت خدا و شرک نوزیدن نسبت به او، ذکر الطاف الهی (توفیق، نصرت، فتح) نسبت به اهل ایمان در دنیا و نجات از عذاب و دخول به بهشت در آخرت و نیز تعلق عذاب الهی نسبت به کافران، از طریق توصیف اقوام گذشته با

هدف بیان سنن ثابت الهی و جاری در همه زمان‌ها و مکان‌ها (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸ / ۷ - ۶) در راستای محور اصلی یادشده است.

از دیگر نقاط اشتراک دو سوره اعراف و ص، قرآن و ذکر بودن آن در منظر توحید و معاد، دعوت و انذار مردم از سوی انبیاء به ایمان و عمل صالح جهت دستیابی به صلاح و فلاح، ذکر داستان خلقت آدم و سرنوشت او و نسبت و جایگاه شیطان در این داستان است.

نتیجه

۱. یکی از راه‌های قابل قبول در شناخت حروف مقطعه، شناخت محتوای سوری است که این حروف در صدر آنها قرار دارند، این امر با کاوش در آراء تفسیری، روایی و نیز بررسی فضا، نظم و ارتباط حاکم بر آن سورا مکان پذیر است.

۲. از بین آراء ارائه شده تفسیری در خصوص حروف «ص»، «ق» و «ن» می‌توان نظرات ذیل را با توجه به ملاک یادشده در بند یکم، از قوت بالاتری برخوردار دانست:

حرف «ص» اشاره به صداقت انبیاء - در ضمن بیان قصص و سرگذشت برخی از آنان - به‌ویژه نبی اکرم ﷺ در انجام رسالت و مأموریت الهی آنان باشد.

حرف «ق» اشاره به قرآن و انذار از طریق یادکرد قیامت و احوال آن است.

حرف «ن» اشاره به مقام نبوت خاتم و خصوصیات منحصر به فرد ایشان است (در مقایسه با صاحب حوت و ذوالنون)، که خلق او قرآن و ذکر مجسم است.

۳. از محورها و اغراض مشترک سه سوره مذکور می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: مطرح کردن اصول اعتقادات دین الهی، بشارت و انذار انبیاء و تقسیم شدن آدمیان در برابر این دو شیوه دعوت، ذکر داستان برخی از انبیاء و اقوام ایشان با هدف عبرت‌گیری دیگران، ردّ اتهامات وارده بر انبیاء عظام ﷺ، دستور به صبرپیشگی رسول اکرم ﷺ در برابر حکم الهی و آزار و اذیت مخالفان، توجه دادن به اغواکنندگان (شیطان و نفس) و راه مقابله با آن، تکذیب انبیاء و قرآن از سوی برخی اقوام انبیاء ﷺ.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- آل سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، ۱۴۰۸ ق، تیسیر الکریم الرحمن، بیروت، مكتبة النهضة العربية، ج ۲.

- آل غازی، عبدالقادر، ۱۳۸۲، بیان المعانی، ج ۱، دمشق، مطبعة الترقی.

- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، ج ۱ و ۱۵، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، *التحریر و التنویر*، ج ۱ و ۳۰، بی جا، بی نا.
- ابن عجبیه، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ ق، *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*، ج ۵، قاهره، حسن عباس زکی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۸، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، ج ۱۰، بیروت، دارالفکر.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ج ۴ و ۵، تهران، بنیاد بعثت.
- بلاشر، رژی، ۱۳۷۴، *در آستانه قرآن*، ترجمه محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، ج ۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جصاص، احمد بن علی، ۱۴۰۵ ق، *احکام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۲۴ ق، *تقریب القرآن الی الاذهان*، ج ۵، بیروت، دارالعلوم.
- حسینی همدانی، سید محمد، ۱۴۰۴ ق، *انوار درخشان*، تهران، لطفی.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نورالتقلین*، ج ۲، قم، اسماعیلیان، ج ۴.
- خطیب، عبدالکریم، بی تا، *التفسیر القرآنی للقرآن*، ج ۱۵، بی جا، بی نا.
- خمینی، سید مصطفی، ۱۴۱۸، *تفسیر القرآن الکریم*، ج ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- داورپناه، ابوالفضل، ۱۳۷۵، *انوار العرفان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، تهران، صدر.
- درویش، محیی‌الدین، ۱۴۱۵ ق، *اعراب القرآن و بیانہ*، ج ۱۰، سوریه، دارالارشاد، ج ۴.
- دغاس، حمیدان، قاسم، ۱۴۲۵ ق، *اعراب القرآن الکریم*، ج ۳، دمشق، دار المنیر و دار الفارابی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، ج ۲ و ۳۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۹۲، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق ندیم مرعشلی، بی جا، دارالکاتب العربی.
- رشاد خلیفه، محمد، ۱۳۶۵، *اعجاز قرآن تحلیل آماری حروف مقطعه*، ترجمه سید محمدتقی آیت‌اللهی، شیراز، دانشگاه شیراز.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التناویل*، ج ۴، بیروت، دارالکتاب العربی، چ سوم.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، ۱۴۰۶ ق، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، ج ۶، بیروت، دارالتعارف.
- _____، ۱۴۱۹ ق، *ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالتعارف.

- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بی تا، *بحرالعلوم*، ج ۳، بی جا، بی نا.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدبر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، ج ۱ و ۶، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۱۴ ق، *فتح القدير*، ج ۴، دمشق و بیروت، دار ابن کثیر دار الکلم الطیب.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۱۹ ق الف، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم، مؤلف.
- _____، ۱۴۱۹ ق ب، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، ج ۲۹، قم، مؤلف.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۸ و ۲۰، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۶ ق، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، ج ۱ و ۹، بیروت، دار المعرفه.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۲۶ و ۲۹، بیروت، دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، ج ۱ و ۱۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۳-۱۲، تهران، انتشارات اسلامی.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۸ ق، *الاصفی فی تفسیر القرآن*، ج ۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- فیضی دکنی، ابوالفضل، ۱۴۱۷ ق، *سواطع الالهام فی تفسیر القرآن*، ج ۶، قم، دار المنار.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷، *احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، ج ۳.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۴۱۳ ق، *الجامع لأحكام القرآن*، ج ۱ و ۱۶، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، ج ۱۳، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۳۶، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، ج ۶، تهران، کتاب فروشی علمی.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۱۰، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ۳.
- معرفت، محمد هادی، ۱۴۳۲، *التمهید فی علوم القرآن*، ج ۱، قم، التمهید، ج ۳.
- مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ ق، *تفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۱ ق، *الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، ج ۴ و ۲۰، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- نحاس، احمد بن محمد، ۱۴۲۱ ق، *اعراب القرآن*، ج ۵، بیروت، منشورات محمد علی بیضون.
- نخجوانی، نعمت الله، ۱۹۹۹ م، *الفواتح الالهیه و المفاتح الغیبیه*، ج ۲، مصر، دار رکابی للنشر.